

صلاة الاضلاع

12/12

دانشگاه پیام نور

پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته ی زبان و ادبیات فارسی

مرکز بجنورد

گروه : زبان و ادبیات فارسی

عنوان پایان نامه :

بررسی و طبقه بندی موضوعی

فضایل و رذایل اخلاقی در مثنوی معنوی مولوی

(دفتر اول و دوم)

استاد راهنما :

دکتر جلیل مسعودی فرد

استاد مشاور :

دکتر حسن بساک

نگارش :

محمد مینوئی

۱۴۸۸ / ۹ / ۳

استاد راهنما
دکتر جلیل مسعودی فرد

آبان ۸۷

۱۲۸۱۲۴

پیوست ج (تصویب پایان نامه)



بسمه تعالی

تصویب پایان نامه

پایان نامه تحت عنوان : بررسی و تحلیل فضایل و رذایل اخلاقی در دفتر اول و دوم مثنوی

که در مرکز بجنورد تهیه و به هیات داوران ارائه گردید ه است مورد تایید می باشد . تاریخ : دفاع ۸۷/۹/۳

نمره : ۱۸/۵
درجه ارزشیابی : عالی
اعضای هیات داوران :

نام و نام خانوادگی :	هیات داوران :	مرتبه علمی :	امضاء :
۱- دکتر جلیل مسعودی فرد	استاد راهنما	استادیار	
۲- دکتر حسن بساک	استاد مشاور	استادیار	
۳- دکتر محمد ریحانی	استاد داور	استادیار	
۴- دکتر محمد جواد عرفانی	نماینده گروه علمی	استادیار	
۵-	نماینده تحصیلات تکمیلی		



تاریخ :

شماره :

پیوست :

بسمه تعالی

صور تجلسه دفاع از پایان نامه

پایان نامه : بررسی و تحلیل فضایل و رذایل اخلاقی در دفتر اول و دوم مثنوی

که توسط آقای محمد مینویی دانشجوی دوره کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی مرکز بجنورد

تهیه و به هیات داوران ارائه گردیده است مورد تایید می باشد . /

درجه ارزشیابی : عالی

نمره : ۱۸٫۵
هیئت داوران

تاریخ دفاع : ۸۷/۹/۳

اعضای هیات داوران :

نام و نام خانوادگی	هیات داوران	مرتبه علمی	امضاء
۱- آقای دکتر جلیل مسعودی فرد	استاد راهنما	استادیار	
۲- آقای دکتر حسن بساک	استاد مشاور	استادیار	
۳- آقای دکتر محمد ریحانی	استاد ممتحن (داور)	استادیار	
۴- آقای دکتر محمدجواد عرفانی	نماینده گروه علمی	استادیار	
۵-	نماینده تحصیلات تکمیلی		

تغییرات لازم :

سپاسگزاری

از عنایات بی چون حضرت حق در جذب و مدد این بنده ی ناچیز در دوره ی کارشناسی ارشد ، با تمام وجود سپاسگزارم .

همچنین قدردان افاضات بی دریغ استادان بزرگوار جناب دکتر مسعودی و دکتر ریحانی و دکتر قرگوزلو و دکتر رحیمی در طی دوره ی مذکور بوده و از جناب دکتر مسعودی فردّ که زحمت راهنمایی این جانب را در تهیه ی این پایان نامه نیز متحمل شدند و محبّت و ارشاد خویش را از بنده دریغ نکردند از صمیم دل سپاسگزاری دوچندان دارم ؛ از استاد مشاور ، جناب دکتر بساک نیز سپاسگزارم . از خداوند قادر و متعال برای این عزیزان رستگاری در دنیا و آخرت را می خواهم .

صفحه	فهرست مطالب	عنوان
		فصل اول :
		پیشگفتار
۲		۱. مقدمه
۴		۲. مروری بر تحقیقات گذشته
۶		۳. روش کار و تحقیق
		فصل دوم :
		کلیات
۸		۱. تعریف اخلاق
۱۰		۲. تقسیم بندی مباحث اخلاقی
۱۰		۳. تعریف فضایل اخلاقی
۱۱		۴. تعریف رذایل اخلاقی
۱۱		۵. دلیل بررسی فضایل و رذایل اخلاقی در مثنوی معنوی
۱۲		۶. مولوی و اخلاق
۱۳		۷. عشق در مثنوی و رابطه ی آن با اخلاق
۱۵		۸. عرفان در مثنوی و رابطه ی آن با اخلاق
۱۶		۹. لزوم انتخاب پیر و مرشد راهدان در سلوک اخلاقی و عرفانی در مثنوی
۲۲		۱۰. نگاهی کلی به چند حکایت از دفتر اول و دوم مثنوی
۲۷		۱۱. تقسیم بندی فضایل اخلاقی در مثنوی
۲۸		۱۲. تقسیم بندی رذایل اخلاقی در مثنوی

فصل سوم :

مصادیق فضایل اخلاقی در مثنوی (دفتر اول و دوم)

۳۰	۱. آرامش
۳۱	۲. آشتی و صلح و سازش
۳۳	۳. احسان حق
۳۷	۴. احسان بندگان
۴۷	۵. اخلاص
۴۹	۶. ادای دین
۵۰	۷. ادب و نزاکت اخلاقی
۵۵	۸. استماع شایسته (حسن استماع)
۵۶	۹. اطاعت پذیری
۵۷	۱۰. امانتداری
۶۱	۱۱. امساک پسندیده (پرهیز از شکمبارگی)
۶۱	۱۲. امیدواری
۶۳	۱۳. پاکی و پاکیزگی
۶۸	۱۴. تقوی و پرهیزگاری
۷۰	۱۵. تواضع و فروتنی
۷۳	۱۶. توکل
۷۷	۱۷. چاره اندیشی و آینده نگری
۸۰	۱۸. حد خود را رعایت کردن
۸۲	۱۹. حسن خلق
۸۲	۲۰. حمایت از مظلوم و ترحم برضعیفان
۸۳	۲۱. خاموشی زیان
۸۸	۲۲. خدمت به دیگران
۸۹	۲۳. خشم پسندیده
۹۰	۲۴. راز نگه داری
۹۳	۲۵. راستی ، صداقت و درستی

۹۵	۲۶. ساده زیستی و فقر معنوی
۹۸	۲۷. سلام کردن
۹۹	۲۸. شجاعت و جوانمردی و مردانگی
۹۹	۲۹. شکر و سپاس ، ثنا و ستایش
۱۰۳	۳۰. شیرین سخنی
۱۰۴	۳۱. صبر و شکیبایی و مقاومت
۱۰۹	۳۲. عدل و داد
۱۱۲	۳۳. عبرت گیری
۱۱۳	۳۴. عذرخواهی ، توبه
۱۱۹	۳۵. عفو و گذشت
۱۱۹	۳۶. عیادت از بیمار
۱۲۲	۳۷. عیب پوشی
۱۲۳	۳۸. فروخوردن خشم یا کظم غیظ
۱۲۵	۳۹. قناعت
۱۲۶	۴۰. گریه و زاری و تضرع
۱۳۰	۴۱. لقمه ی حلال و استفاده از آن
۱۳۱	۴۲. مدح پسندیده
۱۳۱	۴۳. مراعات حقوق دیگران
۱۳۴	۴۴. مشورت
۱۳۶	۴۵. معاشرت نیکو
۱۴۵	۴۶. مهر و محبت
۱۴۹	۴۷. مهمان نوازی
۱۵۲	۴۸. میانه روی در رفتار
۱۵۴	۴۹. وحدت و اتحاد و همگرایی
۱۵۸	۵۰. وطن دوستی
۱۵۸	۵۱. هدیه دادن و ارمغان آوردن
۱۶۰	۵۲. همّت بلند داشتن

فصل چهارم :

مصادیق رذایل اخلاقی در مثنوی (دفتر اول و دوم)

۱۶۳	۱. اسراف
۱۶۳	۲. بخل
۱۶۵	۳. بدخلقی
۱۶۷	۴. بدگمانی ، بدبینی و سوءظن
۱۷۰	۵. بدگویی و هجو
۱۷۱	۶. بغض و حقد و کینه و دشمنی و قهر
۱۷۴	۷. بی ادبی ، گستاخی و پررویی
۱۷۷	۸. بی وفایی و نقض پیمان
۱۷۷	۹. پرخواهی
۱۷۸	۱۰. پند ناپذیری
۱۷۸	۱۱. تجسس در احوال دیگران
۱۷۹	۱۲. تحقیر کردن و نگاه حقارت آمیز
۱۸۰	۱۳. ترس
۱۸۱	۱۴. ترشرویی و اخم
۱۸۲	۱۵. تمسخر و بی احترامی
۱۸۴	۱۶. تنبلی و سستی
۱۸۴	۱۷. تهمت زدن
۱۸۵	۱۸. چاپلوسی و تملق
۱۸۶	۱۹. حرص و طمع و آرز
۱۹۱	۲۰. حسادت
۱۹۶	۲۱. خشم منفی
۱۹۸	۲۲. خیانت
۱۹۹	۲۳. دروغ
۲۰۰	۲۴. دزدی
۲۰۲	۲۵. رشوه خواری
۲۰۲	۲۶. ریا و تزویر

۲۰۴	۲۷. زنا
۲۰۴	۲۸. سرکشی و عصیان و نافرمانی
۲۰۵	۲۹. شکمبارگی و پرخوری
۲۰۹	۳۰. شهرت طلبی و منصب زدگی
۲۱۰	۳۱. شهوت و شهوترانی
۲۱۳	۳۲. ظاهرگرایی
۲۱۵	۳۳. ظلم و جور
۲۱۹	۳۴. عیب جویی و سرزنش
۲۲۱	۳۵. غفلت
۲۲۴	۳۶. فحش و بددهنی
۲۲۵	۳۷. قساوت و سنگدلی
۲۲۶	۳۸. کبر و غرور و خودپسندی و خود بزرگ بینی
۲۳۳	۳۹. گریه ی مکارانه
۲۳۳	۴۰. لهو و لعب
۲۳۴	۴۱. مال دوستی
۲۳۶	۴۲. مدح مذموم
۲۳۶	۴۳. مکر و حيله و حقه بازی
۲۴۲	۴۴. نا امیدي
۲۴۳	۴۵. نادانی
۲۴۷	۴۶. ناسپاسی و کفر
۲۴۸	۴۷. نفاق و دو رویی
۲۵۱	۴۸. وعده ی دروغ
۲۵۲	۴۹. همت پست داشتن و فرومایگی
	فصل پنجم :
۲۵۴	نتیجه گیری
۲۵۸	منابع و مأخذ

چکیده

بررسی و طبقه بندی موضوعی

فضایل و رذایل اخلاقی در مثنوی معنوی مولوی

(دفتر اول و دوم)

با نگرشی اخلاقی به مثنوی معنوی ، مصادیق با ارزشی از درس های اخلاقی ، در لایه لای حکایات ، قابل مشاهده است که می تواند تشنگان معرفت و اخلاق را در جامعه ی انسانی امروز نیز سیراب کند .

با مطالعه ی دفتر اول و دوم مثنوی ، ابیاتی که مضمون اخلاقی مشترکی داشتند ، به دو بخش اصلی : فضایل و رذایل اخلاقی ، بر مبنای عنوان بندی الفبایی ، تقسیم شد و شرح مختصری بر ابیات و عناوین یا صفات مربوط نوشته شد . در این باره ، این جانب با تأمل در شرح های مشهوری که بر مثنوی مولوی نوشته آمده ، مضامینی که رنگ اخلاقی داشتند ، پیش رو آوردم و با الهام از آن ها که خود متأثر از قرآن و احادیث بودند ، این متن را فراهم آوردم .

مولوی از چشم انداز فراختر و بلندتری به باید — نیایدهای اخلاقی نگریسته است و آن ، منظر عرفانی است که جاذبه ی ربایش آن تمامی ندارد و در کار فرد و اجتماع همچنان الگوی مناسبی برای کمال جویی هاست .

والسلام

فصل اول :

پیشگفتار

گر بریزی بحر را در کوزه ای
چند گنجد؟ قسمت یک روزه ای
ای خداوند این خُم و کوزه ی مرا
در پذیر از فضل الله اشتری
(۲۰/۱ و ۲۷۰۹)

۱. مقدمه

یکی از مسائل مهم در زندگی بشر، مسأله ی اخلاق است. « اگر چه انسان به الهام وجدان اخلاقی، امّات فضایل و رذایل را می شناسد » (سلطانی، جلد اول، ۱۳۶۴: ۳) و زیبایی ها و زشتی ها را هر کس بنا به فطرت پاکی که خداوند در ذات آفرینش انسان قرار داده، تشخیص می دهد (مطهری، بی تا: ۲۵۰) اما وسوسه های نفسانی و شیطانی در طول تاریخ آفرینش و زندگی انسان، همواره معیارهای فطری اخلاقی را بر هم زده و او را در سرایشی سقوط به سوی « اسفل السّافِلین »^۱ قرار داده است.

از طزف دیگر « ارسال رُسل، که هدف اصلی از برانگیختگی شان، تتمیم مکارم اخلاق^۲ و هدایت انسان به روشنایی ها بوده است » (رزمجو، جلد اول، ۱۳۶۹: ۳۵) حکایت از آن دارد که پیامبر درونی بشر، برای هدایت او به سوی فضایل و کمالات اخلاقی کافی نبوده و او همواره به معلّم اخلاق احتیاج داشته است.

در مکتب اسلام تعلیم مبانی و «اصول اخلاقی منبعت از دستورالعملهای قرآن مجید و سنن سنیّه ی نبی اکرم (ص) و ائمّه ی هدی علیهم السلام [بوده] و وظایف فردی و اجتماعی انسان و روابطی

۱ « اسفل السّافِلین » : « جهنم و پست ترین رتبه ی امکان » (اصطلاحی است قرآنی، ۵/۹۵)

۲ پیامبر اسلام (ص) در همین خصوص فرموده است : اِنِّی بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَکَارِمَ الْأَخْلَاقِ (رزمجو، جلد اول، ۱۳۶۹: ۳۵، به نقل از مستدرک، ج ۲، ص ۲۸۲)

که با خدا و خلق او دارد ، در چارچوب برنامه هایی که به صورت احادیث و وصایا و حکم از پیشوایان عالیقدر این دین مبین ، باقی مانده ، معین و ارائه شده است .» (همان)

همچنین در تمدن ایرانی - اسلامی با مطالعه ی کتب عرفانی و آثار باقی مانده از عرفا در می یابیم که علی رغم « دغلبازان سودجو و جاه طلب ، که در هر مرام و مکتب و بزم و رزمی بوده و هستند و خواهند بود »^۱ (یتربی ، ۱۳۷۰ : ۱۹۹) بخش زیادی از تعالیم اخلاقی - که « منشأ واقعی آن اسلام و قرآن است » (زرین کوب ، ۱۳۷۷ : ۱۴) - در فعالیت های نظری و عملی عرفا و متصوفه بوده و آنها در شکل دهی سیرت و اخلاق بسیاری از مردم کشورهای اسلامی ، نقش تأثیرگذاری داشته اند . از آن جمله در عرصه ی شعر و ادب ، قالب « مثنوی را وسیله ای برای تعلیم عرفان و اخلاق کرده اند . » (همان : ۱۲۸) البته باید گفت این طبقه « در اخلاق و تربیت از توجه به آنچه سطحی است در گذشته اند » (همان : ۱۲۹) و در مطالعه و بررسی اخلاق ، به جای پرداختن صرف به اعمال ظاهری ، آثارشان را با کمالات آسمانی انسان پیوند داده اند که برای رسیدن به آن باید از شاهراه پاک و صیقل یافته ی درون او گذر کرد .

از جمله ی عارفان راستین که در حوزه ی اخلاقیات حرف های زیادی داشته و تأثیرات شگرفی در روح و روان دوستداران خویش بر جای گذاشته ، مولانا جلال الدین محمد بلخی است . مثنوی معنوی ، اثر سترگ او ، یکی از بزرگترین کتب اخلاقی - عرفانی است که در تاریخ ادبیات فارسی کم نظیر است . به خاطر اهمیت تعالیم اخلاقی این کتاب ارزشمند ، از آن به عنوان « قرآن در زبان پهلوی »^۲

۱ مولوی در خصوص اینگونه افراد که در سلک متصوفه نیز درآمده بودند می گوید :

از خدا بویی نه او را ، نه اثر	دعویش افزون ز شیث و بوالبشر
دیو نموده ورا هم نقش خویش	او همی گوید ز ابدالیم بیش
حرف درویشان بدزدیده بسی	تا گمان آید که هست او خود کسی

(۲۲۷۲/۱ - ۲۲۷۴)

۲ عبدالرحمان جامی در « سلمان و اقبال » آورده است (راستگو ، ۱۳۸۳ : ۷۱) :

مثنوی معنوی مولوی	هست قرآن در زبان پهلوی
من نمی گویم که آن عالی جناب	هست پیغمبر ولی دارد کتاب

حسن لاهوتی در پاورقی ، ص ۸۴۶ « شکوه شمس » از « آن ماری شیمل » می نویسد : در آثار جامی چنین شعری را نیافتم اما حسن میرخانی در ص ۲ مقدمه ی خود بر مثنوی مولوی آن ها را به نام شیخ بهاءالدین عاملی آورده و محمد رضائی هم در مثنوی معنوی همین را گفته است .

من نمی گویم که آن عالی جناب	هست پیغمبر ولی دارد کتاب
مثنوی او چو قرآن مدل	هادی بعضی و بعضی را مضل

(مقدمه ی حسن میرخانی بر مثنوی ، ص ۲)

من نمی گویم که آن عالی جناب هست پیغمبر ولی دارد کتاب ⇐

و « کتابی تعلیمی و درسی در زمینه ی اصول تصوّف و اخلاق » (زمانی ، ۱۳۸۱ : ۳۹) یاد کرده اند . از جمله ی مثنوی شناسان ، استاد فروزانفر در مقدمه ی خود ، در شرح مثنوی شریف ، از آن به عنوان « کتاب آسمانی » (فروزانفر ، ۱۳۷۹ : یک) یاد می کند ؛ ایشان تصریح می کند « مثنوی از حیث نظم و ترتیب ، اسلوبی مانند قرآن کریم دارد . » (همان : دو)

از طرف دیگر ، با تمام فعالیت هایی که در طول تاریخ ادیان و بشریّت در خصوص معارف و اخلاقیات صورت گرفته ، انسان هیچ گاه از تعالیم اخلاقی بی نیاز نگردیده و بشر امروز نیز همپای پیشرفتهایش در عرصه ی مادی و علمی و فناوری ، در ارضای نیاز معنوی و اخلاقی خود به شدت فقیر بوده و این فقر روحی و روانی ، مشکلاتی را در عرصه های فردی و اجتماعی به وجود آورده است .

این نکات و دلایل چندی دیگر ، باعث شد که ما به صرافت آن بیفتیم که با وجود کتب قدیم و جدید در خصوص اخلاق ، آیا تعالیم مثنوی می تواند تشنگان به فهم و درک اصول اخلاقی از جمله خود پژوهشگر را - که به همین انگیزه سر بر در خانه و خانقاه مثنوی نهادم و پیدا نیست تا کجا سر بر کم ! - سیراب کند ؟ این بود که برای رسیدن به پاسخی درخور ، به « بررسی و طبقه بندی فضایل و رذایل اخلاقی در دفتر اول و دوم مثنوی » پرداختیم .

۱. مروری بر تحقیقات گذشته

درباره ی مثنوی معنوی مولوی ، از آغاز آفرینش او تاکنون ، حرف و حدیث های زیادی گفته شده و شرح و تفسیرهایی نیز نوشته شده است که اهل تحقیق دست کم با شماری از آن ها آشنا هستند . اما در بیشتر این آثار از دیدگاه عرفانی به ابیات و حکایات مثنوی پرداخته شده است و در خصوص بازکاوی مصادیق فضایل و رذایل اخلاقی در مثنوی ، به شکل مجزا ، کار گسترده ای صورت نگرفته است .

از جمله ی آثاری که به مبانی اخلاقی مثنوی توجه داشته اند عبارتند از :

۱ - مرآة مثنوی ، تألیف قاضی تلمذ حسین - که استاد فروزانفر در مقدمه ی شرح مثنوی شریف ،

آن را در خور آفرین خوانده است . (فروزانفر ، ۱۳۷۹ : سه) در این اثر با ارزش ، در فصلی با نام

هست قرآنی به لفظ پهلوی

مثنوی معنوی مولوی

هادی بعضی و بعضی را مضملاً

مثنوی او چو قرآن مدلّ

(مقدمه ی محمد رمضانی بر مثنوی ص ۶)

« دُررالحکم » به مواعظ ، حکم ، معارف و اخلاق به شکل محدود پرداخته شده است اما بسیاری از ضروریات اخلاقی در مثنوی ناگفته باقی مانده است .

۲ - لب لباب مثنوی ، تألیف ملاحسین واعظ کاشفی ، در قرن نهم ، که مؤلف آن فقط در یک قسمت ، بیت هایی را که درباره ی اخلاق است ، از شش دفتر مثنوی آورده است .

۳ - مولوی نامه ، تألیف استاد جلال الدین همایی ؛ در این اثر ارزشمند مجموع افکار و عقاید مولوی در چهار مقالت تقسیم بندی شده است . لکن صرفاً در مقالت اوّل به شکل بسیار محدود به « افکار و عقاید مولوی در آداب و رسوم اخلاقی و اجتماعی »^۱ پرداخته شده است . خود استاد می فرماید : اگر بخواهیم همه ی موضوعات اخلاقی و اجتماعی مثنوی را نقل و تشریح کنیم « مثنوی هفتاد من کاغذ شود » (همایی ، ۱۳۸۵ : ۳۸) لذا ایشان بیش از ده صفحه از این کتاب را به این موضوع اختصاص نداده اند .

مقالاتی نیز در خصوص مبانی و ارزش های اخلاقی در مثنوی نوشته شده است . از جمله ی مقالاتی که دیده ام عبارتند از :

۱ - اخلاق اجتماعی در مثنوی معنوی ، نوشته ی دکتر غلامرضا رحمدل ، که در شماره ی ۳۳ پژوهشنامه ی علوم انسانی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی ، در بهار ۱۳۸۱ ، در صفحات ۳۰۳ تا ۳۲۲ به چاپ رسیده است .

نویسنده ، این مقاله را با تکیه بر اصول نقد اخلاقی تنظیم و تدوین کرده و مصادیق و مظاهری محدود از اخلاق را از شش دفتر مثنوی ، کشف و استخراج و مورد بررسی و تحلیل قرار داده است . محور اصلی مقاله تحلیل نمونه هایی از ابیات مثنوی است .

در این پژوهش از بخشی از این مقاله که مربوط به دفتر اول و دوم بوده ، استفاده شده است .

۲ - نگرشی به اخلاق در مثنوی مولانا ، نوشته ی مرتضی ترقی که در شماره ی ۱۶۹ ، در صفحه ی ۲۲ تا ۲۳ مجله ی کیهان فرهنگی ، در آبان ماه ۱۳۷۹ به چاپ رسیده است .

نویسنده در این دو صفحه ، مصادیقی محدود از کل ابیات مثنوی را منطبق با احادیث و آیات ، آورده است .

این جانب از این مقاله نیز در نگارش پایان نامه ی خود به شکل بسیار محدود سود جسته ام . پس همانطوری که گفته شد ، اگر چه درباره اخلاق در مثنوی ، کارهایی شده اما به صورت گسترده و به تفکیک دفاتر مثنوی ، و با عنوان « مصادیق فضایل و رذایل اخلاقی در مثنوی » کاری انجام

۱ این عنوان ، نوشته ی خود استاد همایی است در مولوی نامه ، جلد اول ، ص ۲۹ .

نشده است و اصلاً « افکار و عقاید مولوی - که در مثنوی و دیگر آثار او پراکنده است - دریایی است که [با این تحقیقات] به قعر آن نتوان رسید ؛ خود مولوی می گوید :

گر شود بیشه قلم ، دریا مدید
مثنوی را نیست پایانی پدید «

(همایی ، ۱۳۸۵ : ۲ - ۳)

۲. روش کار و تحقیق

بر اساس آنچه گفته شد ، با عنایت به سرمایه ی علمی خود ، با مطالعه ی دفاتر اول و دوم مثنوی ، ابیاتی را که در آنها ، به صورت مستقیم یا غیر مستقیم به فضیلت یا رذیلتی اشاره رفته بود ، یادداشت کردم و آن ابیات را در دو بخش فضیلت ها و رذیلت های اخلاقی ، جای دادم . سپس فضایل و رذایل اخلاقی را در عناوین اصلی ، به ترتیب حروف الفبای زبان فارسی ، تقسیم بندی نموده و برای عناوین و صفات ، تعاریف یا توضیحاتی آورده ^۱ ، گاهی نیز آن ها را به آیات و روایاتی متناسب با موضوع ، آراستم . آن گاه ابیات را به تفکیک این عناوین در ذیل آنها آورده و توضیحی مختصر پیش از هر بیت یا گروه ابیات ، ذکر کردم . این توضیحات عمدتاً بر اساس مبانی اخلاقی بوده است . موضوعاتی که در ذیل عناوین اصلی آمده ، در صورت امکان بر اساس وحدت یا قرابت معنایی در نکته یا پیامی اخلاقی ، تنظیم شده است .

در ابتدای این مجموعه نیز ، پس از ذکر مقدمه ، کلیاتی پیرامون اخلاق و فضایل و رذایل اخلاقی و عرفان و عشق مولوی و رابطه ی آنها با اخلاق و ... آورده ام .

یاد آور می شود ، صفات مترادف یا صفاتی که معنایی نزدیک به هم دارند در یک عنوان کلی قرار داده شده است اما ممکن است زیر شاخه های یک عنوان کلی در ردیف الفبایی قرار گرفته باشد که در ذیل همان صفت این موضوع یادآوری شده است . به عنوان مثال ، فضیلت « مهمانی » که از نظر مفهوم در این نوشته یکی از انواع احسان شمرده شده ، در ردیف الفبایی ، ذیل حرف « م » آمده است .

چون برخی ابیات مثنوی بیش از یک مفهوم اخلاقی را به خواننده القا می کنند ، در ذیل هر عنوان اصلی اخلاقی ، ابیاتی به صورت مجزا گنجانده شد تا برای اهل تحقیق ، یک مجموعه ی ابیات ، در کنار هم قرار گرفته باشد ؛ بر این اساس ، در مواردی ، شاید ابیات تکرار شده باشد ؛ مثلاً بیت زیر ، هم در ذیل عنوان فضیلت « عاقبت اندیشی » آمده و هم در ذیل عنوان فضیلت « گریه و زاری و تضرع » .

آخر هر گریه آخر خنده ای است
مرد آخرین مبارک بنده ای است

(۸۱۹/۱)

۱ درباره ی بعضی فضایل و یا رذایلی همچون دروغ و دزدی که خیلی بر زبان ها جاری بوده و در بین عموم شناخته شده است توضیحی مختصر داده شده است .

در ارجاع ابیات ، شماره ی ابیات در سمت چپ آن و در سطر زیرین ، داخل کمانک قرار گرفته است . در داخل کمانک ، عدد سمت راست خط مورب ، شماره ی دفتر مثنوی و عدد سمت چپ خط مورب ، شماره بیت است . ضمناً خط فاصله (-) بیانگر توالی ابیات از شماره ی راست به چپ است ؛ در صورتی که بین ابیات ذکر شده ، تناوب وجود داشته باشد و یا ابیات منتخب از دو دفتر جداگانه باشند ، در ارجاع ، بین شماره ی ابیات ، از حرف عطف (و) استفاده شده است .

در ارجاع آیات قرآن ، در داخل کمانک پس از واژه ی قرآن ، سمت راست خط مورب ، شماره ی سوره و سمت چپ خط مورب ، شماره ی یا شماره های آیات آمده است .

در بیشتر موارد در قسمت توضیح عناوین ، مقصود از کلمه ی « مثنوی » ، دفتر اول و دوم است . در تهیه مطالب ، غیر از کتب مثنوی بر پایه ی تصحیح نیکلسون ، از شرح های مثنوی چون « شرح جامع مثنوی » تألیف کریم زقمانی ، شرح مثنوی مولوی نیکلسون با ترجمه و تعلیق حسن لاهوتی و شرح مثنوی شریف استاد فروزانفر ، استفاده کرده ام .

قرآن کریم از منابع معنوی این اثر بوده است .

کتب اخلاقی و عرفانی دیگری که در تنظیم این پایان نامه مورد اسفاده قرار گرفته در بخش منابع و مآخذ ذکر خواهد شد .

در پایان این مقدمه از خوانندگان ارجمند به خاطر تصدیقی که به وجود آورده ام عذرخواهی می نمایم ، غرض بنده در این تحقیق ، کسب آگاهی شخصی بوده ، به خاطر همین ، شاید این اثر متناسب با وسعت اطلاعات و ذائقه ی خوانندگان نباشد . اعتراف می کنم ، با وجود زحمت درخور که در تنظیم این مجموعه متقبل شده ام ، به خاطر متنوع بودن عناوین فضایل و رذایل اخلاقی در اثر سترگ مثنوی معنوی ، هنوز ممکن است بعضی از مصادیق ، طرح نشده باشد که پیشنهاد و درخواست می نمایم اگر یاری دیگر ، بهتر می تواند این نوا را بنوازد جای بسی خوشبختی خواهد بود که این وجیزه را نیز از نظرگاه تحلیل خود محروم ندارد .

والسلام

فصل دوم :

کلیات

۱. تعریف اخلاق

اخلاق در لغت جمع خُلُق به معنی خوی، عادت، سنجیه استعمال می شود (فرهنگ معین و لغت نامه ی دهخدا، ذیل واژه ی اخلاق)

از نظر فلسفی خُلُق «ملکه ی راسخ نفسانی است که بدون تکلف، منشأ صدور افعال نیکو باشد» یا «هیأت راسخه ای است در نفس که مصدر افعال جمیله یا رذیله است» (رزمجو، ۱۳۶۹، جلد اول : ۲۷، به نقل از سجادی، فرهنگ اصطلاحات فلسفی : ۱۳۳) و نیز «خُلُق ملکه ای بُود نفس را مقتضی سهولت صدور فعلی از او، بی احتیاج به تفکر و رویتی.» (طوسی، ۱۳۷۳ : ۲۹) البته «گاهی اخلاق نفسانیه ابتدا از روی تفکر و رویه حاصل [می] شود تا [زمانی که] ملکه گردد.» (امام خمینی، ۱۳۷۱ : ۵۱۰)

اخلاق در اصطلاح اخلاقیون به «عادات و معاشرات» (همان) و به «مجموعه ملکات^۱ نفسانی و صفات و خصایص روحی» و «در معنای وسیع تر به صفات و افعالی اطلاق می شود» که از «مهمترین ثمرات تربیت» (سادات، ۱۳۷۳ : ۸) و «ضامن سعادت و پیروزی انسان در جوامع بشری» (رزمجو، ۱۳۶۹، جلد اول : ۳۲) است.

همچنین در یک جمع بندی دیگر، به زبان ساده می توان گفت : اخلاق عبارت است از : انجام کار نیک و دوری از کار زشت یا تحریک وجدان درونی و با بهره برداری از آزادی، بدون اینکه اجباری در کار باشد. این تعریف مستلزم آن است که بپذیریم «انسان موجودی است طالب کمال و علاقمند به ذات خود.» (جعفری، ۱۳۸۶ : ۵۸ - ۶۰) و «بدون تعلیم و تبلیغ، ادراکی از نیکی و بدی دارد» (رزمجو، ۱۳۶۹، جلد اول : ۳۰) و به طور فطری ظلم را زشت و عدالت را زیبا می داند یا

۱ وقتی عملی به طور مکرر انجام پذیرد پس از مدتی در روح رسوخ پیدا می کند. در این صورت گفته می شود که آن صفت به صورت «ملکه» درآمده است. (سادات، ۱۳۷۳ : ۸)